

نگاهی به روند خبرنگاری
در خارج از مرزها در ۴ دهه گذشته

گزارش‌هایی به وسعت همه جهان



بهرنگ ملک‌محمدی

خبر یکی از بخش‌های کلاسیک مهم تلویزیون است؛ بخشی که مخاطبان ثابت و حرفه‌ای دارد و رقابت بسیاری از رسانه‌های معتبر دنیا هم بر سر همین خبررسانی به‌موقع، سریع و همراه با منافع دولت‌های خود است. این نکته از آن جهت حائز اهمیت است که بدانیم اگر یک رسانه در عرصه خبررسانی و اعتماد عمومی رقابت را به رسانه‌های رقیب واگذار کند تقریباً باید گفت همه کارکردهای مثبت خود را از دست داده و ضرر جبران‌ناپذیری به سایر بخش‌های آن وارد خواهد شد.

حوزه خبر علاوه بر دقت و سرعت به چهره‌هایی نیاز دارد که بتوانند با کلام و کاریزمای خود بیشترین اثر را در این زمینه داشته باشند و از این جهت خبرنگاران صداوسیما در کشورهای خارجی بسیار بااهمیت محسوب می‌شوند؛ خبرنگارانی که برخلاف تصور عمومی مبنی بر دریافت حقوق ارزی و زندگی راحت در یک کشور خارجی، همواره با تهدیدات گوناگونی مواجه هستند و حتی در مواردی نمی‌توانند خانواده‌های خود را در این سفرهای گاه چند ساله همراه داشته باشند.

این نکته شاید یکی از ساده‌ترین مشکلاتی است که این شغل با خود به همراه دارد. خبرنگاری در ذات خود حرفه بسیار سخت و پراسترسی محسوب می‌شود و حالا اگر یک خبرنگار بخواهد در کشوری دیگر با زبان و فرهنگ متفاوت به کارش ادامه دهد، قطعاً با سختی‌های بسیاری روبه‌رو خواهد بود؛ سختی‌هایی که گاه به قیمت جان یک خبرنگار تمام می‌شود و از این جهت برخلاف رویه جذاب

این شغل، اساساً خبرنگاری را می‌توان در دسته مشاغل بسیار سخت دسته‌بندی کرد؛ مشاغلی که در بسیاری از موارد درآمدهای بسیار معمولی و حتی پایینی نسبت به سطح کلی جامعه دارد و آن چیزی که آدم‌ها را در این حرفه سرپا نگه می‌دارد صرفاً واژه‌ای به نام عشق است. عشق به کار، اطلاع‌رسانی دقیق و حرکت به سوی آگاهی بخشی عمومی که در ذات این حرفه وجود دارد.

دهه ۶۰

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ساختارهای کلی کشور و حتی نام‌ها تغییر می‌کند. رادیو تلویزیون ملی ایران به صداوسیما جمهوری اسلامی ایران تغییر نام می‌دهد. اموال و دارایی‌های ایران در بسیاری از کشورها به دلیل ضدیت با انقلاب اسلامی مصادره می‌شود و نیروهای مخالف انقلاب در داخل کشور هم کارشکنی‌های بسیاری انجام می‌دهند.

در این میان تلویزیون هم از این داستان بی‌نصیب نمی‌ماند و حتی نمایندگی و ساختمان اصلی صداوسیما جمهوری اسلامی در لندن که در حقیقت مهم‌ترین دفتر نمایندگی صداوسیما در خارج از کشور است دچار مشکلاتی می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که بدانیم مجموعه رسانه ملی در چند کشور مانند انگلستان، آلمان، آمریکا، فرانسه و مالزی دفاتری دارد که در حقیقت به عنوان نمایندگی‌های اصلی صداوسیما در خارج از ایران محسوب می‌شوند. خبرنگاران این دفاتر در حقیقت وظیفه پوشش دادن اتفاقات رسانه‌ای این کشورها و محدود تعریف شده در آن را دارند که محدود به همان کشور نمی‌شود.

به عنوان مثال دفتر کوالالامپور در تمام منطقه شرق آسیا این رسالت را انجام می‌دهد و البته با گذر زمان نقش و اهمیت برخی از این دفاتر کم‌رنگ یا پررنگ می‌شود.

و باز هم به عنوان مثال در دوره کنونی و با توجه به تحولات منطقه‌ای قطعاً فعالیت‌های دفتر مستقر در بغداد و کشور عراق اهمیت بسیاری برای مجموعه رسانه دارد، حال آن که در دهه ۶۰ و به دلیل جنگ تحمیلی مطلقاً امکان حضور خبرنگار ایرانی در این کشور وجود نداشته است و به همین ترتیب دفاتری که در کشورهای آرژانتین و ونزوئلا است در حقیقت وظیفه پوشش منطقه آمریکای لاتین را به‌عهده دارد.

در دهه ۶۰ یکی از مهم‌ترین چهره‌های خبری تلویزیون در خارج از کشور علی‌اکبر عبدالرشیدی است که به‌واسطه تحصیلاتش در انگلستان گزارش‌هایی را از این دفتر ارسال می‌کند. این احتمالاً واضح‌ترین تصویری است که از این دهه درباره یک خبرنگار صداوسیما در خارج از ایران وجود دارد. در این سال‌ها به واسطه جنگ تحمیلی و همسویی ناجوانمردانه بسیاری از کشورها با رژیم



بعث عراق، دفاتر نمایندگی صداوسیما در این کشورها با محدودیت‌های بسیاری مواجه هستند و گاهی حتی تهدید به تعطیلی می‌شوند. کار خبرنگاران ایرانی در این سال‌ها جدای از خبررسانی، معرفی چهره‌ای درست از انقلاب اسلامی و مبارزه با دروغ‌های رسانه‌های غربی درباره ایران و خصوصاً جنگ تحمیلی است که تا همین امروز هم ادامه دارد. این سال‌ها و با توجه به وقوع جنگ بسیاری از

خبرنگاران جوان به جبهه‌ها اعزام می‌شوند و اخبار خارجی غیرمرتبط با ایران در درجه بعدی اهمیت قرار دارد و از این جهت نسلی از خبرنگاران در شرایط سخت جنگی آموزش می‌بینند که در دهه‌های بعدی گزینه‌های خوبی برای اعزام به کشورهای دیگر هستند. خبرنگارانی که در این دوره گاه با جراحات‌های زمان جنگ دست به گریبانند و تعدادی از آنها هم در جبهه‌ها به شهادت می‌رسند. اتفاقی غم‌انگیز که صرفاً به این سال‌ها محدود نمی‌شود و در دهه‌های بعد هم ادامه پیدا می‌کند.

نکته مهم این سال‌ها حجم پایین خبرهایی است که از خارج از کشور به شکل تصویری مخابره می‌شود. این مساله دو دلیل عمده دارد؛ نخست امکانات آن روزهاست که عملاً امکان ارتباط مستقیم با خارج از کشور را به صفر می‌رساند و دوم زمان پخش خبر در کندانسور دو شبکه‌ای آن روزهاست. کل اخبار این سال‌ها به دو خبر در طول روز محدود می‌شود که سهم هر شبکه یک بخش خبری است و با توجه به حجم خبرهای داخلی و خصوصاً خبرهای جبهه‌ها زمان چندانی برای سایر خبرها باقی نمی‌ماند.

این نکته در رادیو شکل متفاوتی دارد و با توجه به زمان بیشتر و البته امکان پخش گزارش‌ها به صورت غیرزنده خبرهای خارجی بیشتری پخش می‌شود. در این سال‌ها برنامه‌ای نوستالژیک با عنوان بررسی رادیوهای بیگانه از رادیو پخش می‌شود که مبنای آن رصد خبرهای رسانه‌های خارجی درباره ایران است؛ خبرهایی که عمدتاً جهت‌گیری‌های مغرضانه دارد و همین برنامه نشان می‌دهد در جنگ رسانه‌ای، نقش خبرنگاران خارجی مستقر در این کشورها برای افشای دروغ‌ها و تناقض‌های رسانه‌ای کشورها متخاصم بسیار مهم است.

نقشه جهان تغییر می‌کند!

سال‌های آغازین دهه ۷۰ با یک اتفاق بسیار مهم سیاسی و ژئوپلیتیک در جهان هم‌زمان می‌شود. اتحاد جماهیر شوروی به عنوان یکی از دو ابرقدرت

آگهی مفقودی

برگه سبز خودرو سواری پژو ۲۰۷۱ رنگ قرمز متالیک مدل ۱۳۹۰ با شماره پلاک ۴۵۷ ل ۲۴۴ ایران ۶۶ و شماره موتور ۱۳۳۹۰۰۰۲۸۳ و شماره شاسی NAAR03FE8BJ958742 به نام زهرا علی زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی

برگه سبز، سند مالکیت و برگه کمپانی خودرو پیکان وانت مدل ۱۳۹۲ با شماره پلاک ۱۶۷ ۵۶۵ ایران ۹۹ و شماره موتور ۱۱۸۰۰۰۵۲۰۲ و شماره شاسی NAAA36AA4DG614924 به نام احمد رضا میرزایی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.